



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بررسی تفسیر راهنما (۲)



اشاره

در هشتمین نشست از مجموعه‌ی نشست‌های قرآن پژوهی دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، مجموعه‌ی «تفسیر راهنما» توسط دست‌اندرکاران این مجموعه معرفی شد و درباره‌ی روش‌های تحقیقاتی، گروه‌ها و واحدهای گوناگونی که در تهیه‌ی تفسیر نقش داشته‌اند، توضیحاتی ارائه شد. در این نشست حجت الاسلام والمسلمین معادینخواه (دبیر نشست)، حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی ایازی، حجت الاسلام والمسلمین ملاحسنی و حجت الاسلام والمسلمین طالبی و آقای مرادی حضور داشتند. اینک قسمت پایانی مذاکرات این نشست در پی می‌آید.

مرادی: من پیش از شروع سخن، یکی از جمله‌های آقای معادپخواه را اصلاح کنم. ایشان دست‌نوشته‌های زندان را ۳۰ دفتر گفتند که درحقیقت ۲۲ دفتر است. البته از اول تا پایان قرآن، از سوره‌ی «فاتحه» تا سوره‌ی «ناس»، کاملاً فیش برداری شده است. اما من تصور می‌کنم که برای بررسی یک تفسیر لازم است، چند نکته مورد عنایت قرار گیرد. یکی، محور مبانی مفسر و شرح نگارش آیات، قرآن است. ممکن است، مفسران مبانی خاص برای خودشان انتخاب کنند که طبیعتاً این مبانی در روش تفسیر آن‌ها مؤثر است. دیگر، روش شناسی مفسر است که برای فهم نگاهشته‌ی او مهم است. سوم بررسی کمبودها و نقص‌ها، و تطبیق مبانی روش‌های مفسر به آنچه که انجام داده است. و این‌جا معلوم می‌شود که آیا مفسر راه درستی انتخاب کرده، یا این‌که به مقصدی که انتخاب کرده، نرسیده است.

در تکمیل سخنان آقای ایازی باید گفت، بنیاد تفسیر راهنما بر تدوین کتاب مرجع قرآنی گذاشته شده است. همان‌طور که قرآن‌پژوهان می‌دانند، در قرآن اطلاعات فراوانی نهفته است که پاره‌ای از آن‌ها با الفاظی بیان شده‌اند و پاره‌ای دیگر لفظ خاصی ندارند و در لابه‌لای الفاظ و به صورت کنایه و اشاره آمده‌اند و یا به نحوی چینش کلمات و هیأت جملات و کلمات بستگی دارند. پیش از روشی که فکر می‌کنم ژول لا بوم فرانسوی آغازکننده‌ی آن بود، بیش‌تر کارها در قالب معجم لفظی بوده و معجم‌ها در قالب کشف آیات، کشف لغات و از این‌گونه تدوین می‌شدند و رقم آن‌ها هم کم نبود.

وقتی که دایره‌ی اسلام گسترش پیدا کرد، حافظان قرآن اندک بودند، و بعضی نمی‌توانستند قرآن را حفظ کنند و به آیات دسترسی نداشتند. در نتیجه به این فکر افتادند که کسانی حداقل کشف آیات و این قبیل کتاب‌ها را تدوین کنند. این کار رشد پیدا کرد و «ژول لا بوم»، قرآن‌پژوه فرانسوی، تفسیر آیات را نگاهت. البته دایره‌ی کار او در سطحی بسیار محدود است. فکر می‌کنم تا ۳۲ محور اصلی دارد و بقیه‌ی مطالب محور فرعی هستند. کار او در جهان عرب مورد استقبال قرار گرفت و بعد به ایران آمد که اعتمادالسلطنه از علما درخواست کرد، شبیه این کار در ایران هم انجام شود. بدین ترتیب علما کار جدیدی را شروع کردند که تقریباً یک دوران گذار از دوران کشف اللغات و کشف آیات به معجم‌نگاری موضوعی بود و بعدها توسعه یافت. پیش‌تر، افرادی مثل مرحوم رامیار، به تدوین معجم‌های موضوعی قرآن روی آورده بودند؛ یعنی طبقه‌بندی آیات بر اساس موضوعات گوناگون مثل مباحث عقیدتی، خانوادگی و اقتصادی که البته به هیچ‌وجه جامع و کامل نبود.

مثال مباحث عقیدتی، خانوادگی و اقتصادی که البته به هیچ‌وجه جامع و کامل نبود. جریانی که در تفسیر راهنما شروع شد، همه‌ی آن مجموعه‌ها را مدنظر قرار داد، اما آنچه مدنظر بود دیده نشد و تصمیم گرفته شد، کتاب مرجعی آماده شود که همه‌ی مطالب قرآن کریم به نحوی در آن آورده شود؛ چه حاوی لفظ خاصی باشد که در آن قرآن کریم واژه دارد، و چه آن دسته که از لابه‌لای آیات و کلمات و هیأت جملات به دست می‌آید، ولی لفظ خاصی ندارد و اگر کسی می‌خواهد آن‌ها را در قرآن پیدا کند، باید با مشقت فراوان پیدا کند.

در آغاز، آقای معادپخواه و آقای هاشمی رفسنجانی هم نظرشان این بود که کتاب مرجعی تدوین کنند. در همان ماه‌های اول کار، برای این‌که همه‌ی ابعاد مطالبی که در قرآن کریم آمده است، دقیق دیده شود، قرار شد همه‌ی تفاسیر با گرایش‌های علمی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار گیرند تا از هر منظری آیات دیده شوند. به علاوه، گروه‌های تفسیری راهنما نیز گروه‌های علمی تشکیل دادند و مباحث علمی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی هم راه افتادند. در ماه‌های نخست، گروه‌ها شکل گرفتند و قرار شد، دوستان نگارنده‌ی تفسیر، با توجه به لغات و واژه‌های جدید و تخصصی، تفسیر را بنگارند و نمایه‌سازی هم دقیق باشد تا این جامعیت کتاب مرجع کاملاً و تحقق پیدا کند که متأسفانه کاملاً جامه‌ی عمل نپوشید و هرچند تلاش شد این کتاب مرجع، جامعیت داشته باشد، اما آنچه که شروع شده بود، اتفاق نیفتاد که اگر فرصت بیش‌تری باشد، توضیح می‌دهم. آقای ایازی توضیح داد که تفسیر راهنما عصری است. بنده می‌گویم، «تفسیر» عصری است و می‌تواند باشد. به این دلیل که کتاب مرجع در پی در انداختن طرح جدید نیست، گرچه در این باره تلاش شده است.

امام صادق فرموده اند: «قرآن کریم برای یک زمان درست نشده است که برای زمانی باشد و برای زمانی نباشد و برای مردمانی باشد و برای مردمان دیگری نباشد، بلکه برای هر عصری جدید است و برای هر نسلی، و قوم و ملت و گروهی تا روز قیامت نواست.» باید بتوانیم، با این نگاه که وقتی قرآن را نگاه می‌کنیم، بتوانیم پاسخ‌های زمان خود را بیابیم و وارد تفسیر راهنما شویم. اگر دوستان دقت کنند،

مطالبی از روزگار ما هم در آن آمده است، اما محدودیت به ما اجازه نداد که قلم فرسایی کنیم و به تحلیل و بررسی عمیق همه‌ی مفاهیم و واژه‌ها پردازیم و آن‌ها را با مدل‌های روزگار خود تطبیق دهیم. چون ما در پی یافتن آیات پراکنده در قرآن و در لابه‌لای الفاظ و مطالب و کلمات و جملات بودیم تا اطلاع‌رسانی دقیقی کنیم و کتاب راهنمایی داشته باشیم که خوانندگان اطلاعات مورد نظر خود را در آن بیابند.



موضوعات زیادی در قرآن کریم وجود دارند که اگر کسی خواست آن‌ها را بیابد، نمی‌داند چه باید بکند. متولیان تفسیر راهنما عهده‌دار این بودند که در این زمینه کاری انجام دهند. به همین دلیل این اثر در عین تفسیر بودن، بیش‌تر کتاب مرجع است. با کتاب‌های تفسیری دیگر این تفاوت را دارد که در این جا امکان قلم‌زنی و بررسی گسترده وجود نداشت و خیلی نمی‌شد، آیات را به‌طور گسترده ترجمه کرد. تفسیر در ۲۰ جلد منتشر شده است و هر جلد بین ۳ تا ۴ هزار جلد فیش دارد که هر فیش دارای دو یا سه نکته‌ی جدی است. بنا بر این، اگر میانگینی از مطالب قرآن کریم بگیریم، بالغ بر ۶ هزار موضوع قرآنی را به صورت مستقل آورده‌ایم که هر کدام دارای ابعاد مستقلی است. اگر از هر فیش سه موضوع در نمایه‌سازی

گرفته شود، حدود ۱۸۰ هزار موضوع می‌شود که بخشی تکراری هستند و با حذف آن‌ها ۱۰۰ هزار موضوع می‌شود که در پانزده سال این موضوعات را اخذ کرده‌ایم.

معادیه‌خواه: جای نقد در این جلسه خالی است؛ یعنی جای کسانی که تفسیر را نقد می‌کنند. تصورم این است که جلسات دو تا سه ساعته برای نقد کافی نیستند و به سلسله‌جلساتی نیاز است.

ملاحسنی: یکی از ویژگی‌هایی که آقای ایازی گفتند، نمایه‌سازی و فهرست‌نگاری در تفسیر راهنما بود. این قسمت را تا حدودی بنده دنبال می‌کنم. مزیت‌هایی را که در این قسمت قابل ذکر هستند، بیان می‌کنم که شاید مثمر‌تر باشد.

منظور از نمایه، راهنمایی کردن است و در تفسیر راهنما، یکی از ویژگی‌های مدخل‌ها، نمایه‌هایی است که در آن گنجانده شده‌اند. نمایه‌سازی در دو نوع سستی و ماشینی انجام می‌شود و شاید اولین کاری است که به این شیوه در تفاسیر قرآن انجام گرفته و شاید اولین بار است که در تفسیر انجام می‌شود. با توجه به سیاست علمی مرکز، سیستم نمایه‌سازی مقید را پذیرفتند و زبان «هم‌آرا» را پیش گرفتند که شاید بتوان گفت، یکی از بهترین نمایه‌سازی‌هاست که در بحث اطلاع‌رسانی مطرح است.

ملاحسنی: این ۲۰۰ هزار نمایه دسترنج دوستانی است که در بخش نمایه‌ی تفسیر راهنما فعالیت کرده‌اند و نمایه‌ها را به شکل خاصی که زمینه‌ی یک تفسیر نوین است، عرضه کرده‌اند. از امتیازات این تفسیر یکی همین است که توانستیم نمایه را به صورت ترکیبی و پیش‌هم‌آرایی با مداخل خاص داشته باشیم.

نمایه‌سازی «هم‌آرا» هم در دو گرایش نقش می‌گیرد: یا «پس هم‌آرا» یا «پیش هم‌آرا» می‌شود که هر کدام مزیت‌های خاص خود را دارد. همان‌طور که آقای معادیه‌خواه گفتند، دفترهایی که ابتدای امر به این مجموعه

واگذار شدند، نمایه‌سازی «پس هم‌آرا» را تا حدودی داشتند، یعنی تک‌واژه، می‌گذاشتند. هم‌آرا یعنی واژه‌های مدخل‌ها ضبط و در فهرستی به کاربر نمایه تحویل داده می‌شود تا نمایه‌ساز و کاربر نمایه صرفاً از یک مدخل و عنوان استفاده کنند. در این شیوه، نمایه‌ساز باید از زبان آزاد استفاده کند، به قلم فیش بردار و مفسر نگاه نکند و آنچه را که خود تشخیص می‌دهد، انتخاب نکند و مدخلی نباشد که باعث تشتت در اطلاع‌رسانی شود. بنابراین، از پیش سیاهه‌ی نمایه و مدخلی تعیین و به کاربر سپرده می‌شود که «هم‌آرا» می‌شود. اما اگر شیوه‌ی ما «پس هم‌آرا» باشد، قبل از ورود به بانک اطلاعات، می‌باید سیاستی را در پیش بگیریم.

ما قبل از این که اطلاعات به بانک برود و در رایانه بازایی شود، قسمتی از کار را به نمایه‌ساز دادیم و قوانینی در آن جا مصوب کردیم تا نمایه‌ها درست ترکیب شوند، پیام یک فیش و پیام مدرک را بازگو کنند و از پیش معلوم باشد، چه مدخلی با چه عناوینی ترکیب شوند و به چه صورت. ما روش «هم‌آرا» را که معروف به نمایه‌سازی «مهار شده» است، انتخاب کردیم.

بهتر است مراحل نمایه‌سازی را بیان کنم. ابتدا گروه تفسیر راهنما یک آیه را با دیدها و مناظر مختلف فیش برداری می‌کردند. بعد از تمام شدن مراحل فیش برداری، کل فیش‌ها به مقتضای موضوع به دسته‌های خاص تفکیک و به گروه‌های متفاوت واحد نمایه‌سازی تحویل داده می‌شد تا طبق سیاستی که توضیح دادم، فهرست مدخل‌ها و فهرست نمایه‌های ترکیبی تدوین شود.

الان یکی از پیام‌های خوب ما برای جامعه‌ی فرهیخته این است که در بانک اطلاعات، بعد از پایان جلد ۲۰، بیش از ۲۰۰ هزار نمایه‌ی ترکیبی داریم. تفسیر راهنما دارای برنامه‌ی هوشمند و بانک اطلاعات است که پس از برنامه‌ریزی، ان شاء الله به صورت نرم‌افزار در دسترس قرآن پژوهان قرار می‌گیرد.

البته باید گفت که در نمایه‌سازی «پس هم‌آرا»، وجود دو ابزار کار ضروری است: یکی، «اصطلاح‌نامه» است. یکی از محصولات ما تهیه‌ی اصطلاح‌نامه‌ی معارف قرآن است که آماده چاپ شده و شاید اولین اصطلاح‌نامه در حوزه‌ی قرآن است. ابزار دوم هم «سیاهه‌ی نمایه‌ها» است که در قالب ۲۰۰ هزار نمایه‌ی ترکیبی آماده شده است.

معادینخواه: یکی از حضار این نکته را یادآوری کردند که استنباط از آیات قرآن به تخصص‌هایی هم نیازمند است. مطمئناً نگاه کسی که با دید اقتصادی به قرآن می‌نگرد، با نگاه کسی که دید اجتماعی، عرفانی و... دارد، متفاوت است. قرآن کریم برای نگاه‌های متفاوت و هر گروه و قوم خاصی هم، کتاب هدایت است. این سؤال مطرح است که آیا تمام تخصص‌ها در پیدایش تفسیر راهنما نقش داشته‌اند؟ باید

گفت، تلاش شده که این کار انجام شود. اما این شروع کار است و آنچه الان انجام شده، با همه‌ی عظمت و ارزش

و نبودن؛ آغاز کار است. من تصور می‌کنم، اگر

یک باشگاه گفتمان برای جمع‌آوری آرا و نظرات داشتیم، این کار می‌توانست کامل

باشد. سؤال دیگری هم مطرح است: این نهاد با دیگر مراکز تحقیقاتی چه ارتباطی دارد؟

بهتر است خود دوستان پاسخگو باشند. در واقع، در استنباط از آیات قرآن ما چه راهی را

می‌توانیم پیدا کنیم که همه‌ی سلیقه‌ها و برداشت‌های متفاوت را در بر بگیرد؟ تقاضا

می‌کنم آقای ایازی در این باره توضیح دهند.

ایازی: آنچه که ما به عنوان یک اصل کاملاً پذیرفته‌ایم، این است که ما خاتم الانبیا و خاتم



الکتب داریم، اما خاتم‌المفسرین نداریم که بگویم این تفسیر بهترین است، از این بهتر نمی‌آید و حرف آخر رازده است. بنابراین، وقتی این اثر نقد و ارزیابی شود، کسانی که در مجموعه کار می‌کنند، هیچ وقت این ادعا را نمی‌کنند که حرف بی‌نقصی را گفته‌اند. به همین دلیل، همان‌طور که آقای مرادی هم به این نکته اشاره کرد، شاید یکی از پیامدهای طبیعی یک کار گروهی آن است که مجموعه‌ی کار هماهنگ و یک دست نباشد. خداوند متعال هم درباره‌ی اصل وحی این اشاره را کرده و گفته است، اگر این کلام از غیر خدا بود، اختلاف کثیری ایجاد می‌شد. این اختلاف کثیر نشانه‌ی ضعف و نقص کار است و به علت ناهماهنگی در مجموعه‌ی تفسیر راهنما، دست‌اندرکاران از اول به بازمینی مجدد این تفسیر پرداخته‌اند.

طبیعی است که این نقص وجود داشته باشد و کسانی که این کار را انجام داده‌اند، از طرح آن ابایی ندارند و واقف هستند که این مشکل وجود دارد. در تفسیر المیزان و بقیه هم محسوس است که تفاوت اندیشه وجود دارد و قطعاً در بین مفسران دفتر فرهنگ قرآن هم تبادل رأی وجود داشته است و طبیعی است که در یک کار گروهی، بازمینی مجدد اقتضا پیدا می‌کند.

من قصد نقد تفسیر راهنما را ندارم، اما چون حداقل ۷ تا ۸ جلد را خودم کار کرده‌ام، کاملاً می‌فهمم که مشکل کار کجاست. بنابراین، اگر بخواهیم فهرست وار بگویم، یکی از مشکلات این است که مجموعه‌ی

فهرست دارای یک سطح نیست، فراز و نشیب دارد. در واقع،

دیدگاه‌های متفاوتی در آن دیده می‌شود. من سخن آقای یزدی

را اصلاح می‌کنم که اگر آیه‌ای در جمله و یا فرازی یک جور

و جای دیگری، جور دیگری تفسیر شد، این امتیاز نیست.

این مشکل ممکن است ناگزیر و ناچار اتفاق بیفتد، ولی

باید آن را برطرف کنیم و نمی‌تواند امتیاز باشد.

نکته‌ی دیگری که در تفسیر عصری داریم، و فرق بین وحی

و تفسیر هم همین است، این نکته است که مفسران می‌خواهند

آیات را مطابق نیازها و مخاطبان جدید تعبیر کنند. بنابراین، در

مدت ۱۰ تا ۱۵ سال نیازهای جدیدی پیدا می‌شود که مفسران

باید پاسخگوی آن‌ها باشند و شرایط اقتضا می‌کند که بازمینی و

ویرایش تجدید بشود. به این دلیل عرض می‌کنم، کار خوبی که

مرکز در حال حاضر انجام می‌دهد، بازمینی تفسیر است و

هیچ وقت فکر نکنند که کار تفسیر تمام شده است. یک

دایرةالمعارف نیاز به ویرایش دارد و البته تفسیر، آن هم تفسیر

راهنما، نیاز به بازمینی مداوم دارد.

معادینخواه: آقای باقری، از حاضران جلسه، می‌خواهند نکته‌ای را تذکر دهند.

باقری: بنده شخصاً از این تفسیر استفاده کرده‌ام. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم، ناظر بر حرف آقای یزدی

است. من بارها این تفسیر را به‌طور موضوعی از آغاز تا پایان بر حسب نیازهایی که داشته‌ام، خوانده‌ام. یک

موضوع را در نظر گرفته‌ام و بلا استثنا، تفسیر را از نظر پرداختن به یک موضوع واحد ناقص دیده‌ام. از یک آیه‌ی

خاص و یک مضمون و محتوا، برداشت‌های متفاوت و متنوعی ارائه شده است و این توضیح کافی نیست که

چون آیات در جاهای متفاوت و سیاق‌های متفاوت آمده‌اند، پس این حق وجود دارد که برداشت‌های متفاوتی از

آن‌ها بشود.

اگر ما در صدد توجیه وجود تفاسیر متفاوت بودیم، این حرف قابل قبول بود که هر مفسری در تفسیری که به

نام خودش است، نظری ارائه داده است. ولی وقتی از تفسیری سخن می‌گوییم که صدها نفر در آن مشارکت

داشته‌اند، وحدت عنوان تفسیر اقتضا می‌کند، برداشت‌های یکسان و منسجمی وجود داشته باشند. البته این



مقدار قابل قبول است که اگر آیه‌ای در فرازی به علت ماقبل و مابعدش برداشت فوق‌العاده به نسبت آیه‌ی مشابهی در جای دیگری دارد، آن مفهوم بیاید. اما این قابل قبول نیست که از متن صریح یک آیه، در جایی برداشتی بشود و در جایی دیگر، از آن غفلت بشود که فراوان به چشم می‌خورد.

نکته‌ی دیگر این است که اساس کار تفسیر راهنما، بر استخراج موضوعات قرآنی از غیر کلمات صریح بوده است، اما وقتی موضوعی به تفسیر نگاه می‌شود، می‌بینیم که از مفاهیم بسیاری غفلت شده است. مثلاً «جایگاه قرآن» را مورد مطالعه قرار دادیم و در تفسیر راهنما به مجموعه‌ی نمایه‌ها و مدخل‌هایی که برای این منظور عرضه شده،



نگاه کردم. به نظر صد‌ها نمایه‌ی جدید آمده است، اما در این موضوع، در تفسیر راهنما خبری نیست. معادپخواه: چون به سخنان آقای یزدی نقدی شد، از ایشان می‌خواهم پاسخ دهند. اما فکر می‌کنم، یک اشکال اساسی در سیستم کار وجود دارد که اگر قرار باشد عنوان شود، به فرصت و وقت دیگری نیاز داریم. یزدی: بحث به جایی کشیده شد که مشتاق آن بودیم و این که نقدها را برای اصلاح کار بشنویم. گفته شد: در آیات مشابه، تفاوت مفهوم در تفسیر وجود دارد و این را چگونه توجیه می‌کنید؟ توضیحی که آقای ایازی دادند، در واقع توجیه عملی کار بود. کار روی آیات در گروه‌های پنج نفری، در گروه‌های کنترل سه نفری و در گروه دو نفری به نام گروه کنترل ثانویه، یعنی در سه مرحله انجام شد. در مرحله‌ی اول گروه‌های پنج نفری، برداشت‌های خود را یادداشت می‌کردند و کل قرآن فیش برداری شد. گروه‌های سه نفری این یادداشت‌ها را مجدداً بررسی کردند که در اثباتشان مشکلی وجود دارد یا نه و آیا مشکل را می‌توان برطرف کرد یا خیر؟ گروه‌های سه نفری اکثر کارهای گروه‌های قبلی را بررسی کردند و اصلاحات انجام شد. اما باز هم کار نقص داشت. بنابراین، کار به گروه‌های دو نفری داده شد تا یک نفر عهده‌دار اصلاح نهایی شود و یک نفر همراه آن نفر اصلی، یادداشت‌های او را نقد کند.

تا هنگام چاپ، کار از نظر سه گروه متفاوت گذشت، اما ما در این میان، فاقد گروهی بودیم که آیات مشابه را هماهنگ کند. حالا چرا ما این گروه را تشکیل ندادیم؟ زیرا کار تفسیر هنوز تکمیل نشده بود. وقتی جلد اول چاپ شد، احساس کردیم که برداشت‌ها مشکل دارند و مجبور شدیم جلد اول را بازنویسی کنیم. اصلاحات عمده‌ای در جلد اول انجام شد و در جلدهای دوم و سوم باز این امر را احساس کردیم و فکر کردیم، اگر از همین الان گروه هماهنگ‌سازی برداشت‌ها تشکیل شود، ناموفق خواهد بود؛ زیرا ما هنوز کار جلدهای نهایی را آماده و عرضه نکرده بودیم که بخواهیم آن‌ها را معیار قرار دهیم. بنابراین منتظر ماندیم تا ۲۰ جلد تفسیر آماده شوند و الحمدلله همه‌ی جلدها به مرحله‌ی چاپ رسیده‌اند و به زودی جلد بیستم هم منتشر می‌شود.

الان فرصت خوبی است که گروه هماهنگ‌سازی تشکیل شود تا آیات مشابه با هم را به این صورت نگاه کند. مثلاً مبنای «فبای آلاء ربکما نکذبان»، آن برداشت‌هایی که ذیل اولین آیه است، با برداشت اول و برداشت‌های ذیل دوم ممکن است متفاوت باشد؛ با این که در یک گروه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این جا معلوم می‌شود که آیه در هر جایگاهی، ناظر بر یک مطلب دیده شده است. ما گروه هماهنگ‌سازی آیات مشابه را تشکیل دادیم و از این جا شروع کردیم که آیات مشترک را در قرآن جدا کرده و در کتابی که منتشر نشده و در اختیار خود مرکز است، جمع کردیم تا در نهایت برداشت‌های آن را در بازنگاری تفسیر راهنما - که شروع شده و بحمدلله پیش رفته است - بازنگری کنیم و هم‌زمان با آن، برداشت‌های آیات مشترک را هم‌سان می‌کنیم.

است - بازنگری کنیم و هم‌زمان با آن، برداشت‌های آیات مشترک را هم‌سان می‌کنیم.

در آیه‌ای که اوایل قرآن است و نظیر آن در اواخر قرآن هم آمده، آن گروه مطالبی دارد که گروه آخر، از آن

غفلت کرده است. این غفلت گروه دوم و یا گروه اول باعث می شود که مراجعه کننده از هر دو نظر استفاده کند. یعنی اگر گروه ها را موظف می کردیم که فقط یک نظر را بپذیرند و جز این چیزی اضافه نکنند، نقص عمده ای در تفسیر راهنما به وجود می آمد. در بعضی از گروه های ما، متخصصان خوب و افراد آگاه به رشته ای خاص حضور داشتند. وقتی ۲۰ جلد را جلوی خود بگذاریم، از جمع آرای گروه ها بهره مند می شویم. این ها اختلاف نیست که بگوییم نقص تفسیر راهنماست. شاید دومین اشکال آن دوست عزیزمان این بود که گفتند، شما برداشت هایی از آیات مشابه دارید که ناقض هم هستند. بله این نظر درست است و ما منکر آن نیستیم که منجمد نبوده ایم و به گروه های بعدی اجازه داده ایم که برداشت های خود را ضمیمه کنند و در جلدی که مخصوص خود آن هاست، چاپ شود. شما به عنوان مراجعه کننده، چون به هر دو مراجعه می کنید، می توانید از آیه ی بعدی به آیه ی قبلی برگردید و ذهن خود را نسبت به آیه ی قبلی پرورش و برداشت خود را تکمیل کنید.

معادینخواه: سؤال دیگر را آقای طالبی جواب دهند.

طالبی: وقتی تفسیر راهنما را با تفسیرهای دیگر مقایسه می کنیم، می بینیم که سبک و روش نویی در ارائه ی موضوعات و مفاهیم قرآن دارد. روش آن بدیع است و سعی شده، مطالب هر آیه در این روش نو در حد توان ارائه شوند. از طرف دیگر، این اولین تجربه است که باید تکرار شود. پرونده ی تفسیر راهنما با توجه به این که روش بدیعی دارد، باز است و باز بودن پرونده ی تفسیر به این معنی است که نواقصی دارد که باید به تدریج برطرف شوند.

مرادی: خود گروه تفسیر راهنما هم به این اختلاف برداشت ها پی برده بودند. یک وقت ما آیه ای را پیدا کرده بودیم که ذیل یکی ۱۷ برداشت و ذیل یکی دیگر ۱۲ برداشت وجود داشت و دیگری هم ۸ تا برداشت داشت. قاعدتاً باید سطح آن ها بین ۱۳ و ۱۴ می شد، ولی خیلی تفاوت بود. این دغدغه همواره بود تا تفسیر نقد و اشکالات آن مرتفع شود، اما به نظرم هنوز در اول راه هستیم و باید تلاش کنیم، این شروع مبارک به نتیجه برسد. در مورد برداشت از آیات قرآن کریم، ما اصولی در تفسیر داریم که مدون هم هستند. از اصل شروع تفسیرنگاری تا دوران ما، این قواعد گفته و پخته شده اند. ما هم در تفسیر راهنما تجربیاتی داشتیم که بر اساس آن آئین نامه ی اجرایی، برداشت ها را انجام می دادیم. طبیعتاً اگر غفلتی خارج از چارچوب بوده است، در حدی نیست که لطمه ای اساسی به کار بزند.

بنابراین، وقتی برداشت ها و تفسیر و شرح قسمتی، در چارچوب شناخته شده ای انجام شود، اختلافات چندان فاحش و تابع ذوق و سلیقه نمی شوند که به قول این دوست عزیز، برداشتی با برداشت دیگر ۸۰ درصد تفاوت داشته باشد. من خود به دلیل کاری که در مجموعه داشتم، با پنج شش گروه تخصصی در مؤسسات گوناگون همکاری می کردم؛ مثلاً حقوق،

روان شناسی، جامعه شناسی، طبیعیات و... نمونه ی کار می دادیم و می گرفتیم. کار با چارچوب های شناخته شده ی تفسیر دقیقاً منطبق می شد و اگر روی اصول و قواعد بود، تصویب می شد و برای مراحل بعدی می رفت. چنین نبود که یک متن دینی به دست کسی داده شود و او طبق ذوق و سلیقه ی خودش، هر گونه برداشت دلخواهش را تحمیل کند. البته تفسیر راهنما توانست به ایده های بزرگی که مدنظر داشت، کاملاً جامه ی عمل بپوشاند. امیدواریم این کار در وقت دیگری و با نگاه وسیع تری به جامعیت بهتری برسد.

